

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

بهرام رحمانی
۲۲ دسمبر ۲۰۱۴

کمیته انتخاب برنده جایزه صلح نوبل

از آبرو ریزی تا آبرو خری!

۲

برای نالایق بودن اوباما به عنوان برنده جایزه صلح نوبل کافی است به حملات نظامی خارجی نیروهای امریکائی در دوره ریاست جمهوری او اشاره کرد.

سایت خبری راشاتودی در گزارشی درباره بمباران‌های کشورهای مختلف در دوران ریاست جمهوری اوباما از شش کشور عراق، سوریه، افغانستان، یمن، پاکستان و سومالی نام برده است.

اعطای جایزه صلح نوبل از سوی اعضای کمیته اعطای این جایزه به اتحادیه اروپا با انتقاد محافل سیاسی جهان مواجه شده است. انتخاب پرسش برانگیز اتحادیه اروپا به عنوان برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۱۲ از سوی کمیته گزینش این جایزه، با واکنش‌های شدیدی از سوی برخی نمایندگان احزاب سیاسی المان از جمله چپ‌ها و همچنین رسانه‌های همفکر با این جریان سیاسی در این کشور مواجه شده و به باد انتقاد گرفته شد.

به اعتقاد منتقدان اعطای جایزه صلح نوبل به اتحادیه اروپا، این اتحادیه به خاطر سیاست‌های جنگ‌طلبانه‌اش در عرصه بین‌المللی به هیچ عنوان مستحق و لایق دریافت جایزه نوبل نبوده است و بسیاری از اعضای این اتحادیه که عضویت در سازمان نظامی ناتو را یکد می‌کشند به طور طبیعی نمی‌توانند و نباید صلح‌طلب تلقی شده و به خاطر آنچه فعالیت‌های صلح‌طلبانه خوانده شده، جایزه جهانی بگیرند.

خانم «اینکه هوگر» یک نماینده حزب چپ‌ها در پارلمان المان با انتقاد شدید از این انتخاب، اتحادیه اروپا را مروج فقر، بدبختی و جنگ در جهان معرفی کرد و گفت: اعطای جایزه نوبل به این اتحادیه تعجب آور بود.

هوگر که سخنگوی امور کاهش تسلیحاتی حزب چپ‌ها در پارلمان المان را برعهده دارد، افزود: بعد از این که جایزه صلح نوبل به بارک اوباما، رئیس جمهور امریکا اعطا شد، وی کشور خود را بیش‌تر و بیش‌تر در جنگ افغانستان و همچنین حملات ویرانگر با هواپیماهای بدون سرنشین در پاکستان دخیل کرد، امروز هم در کمال تعجب اتحادیه اروپا جایزه صلح نوبل گرفته و شاید کمیته نوبل در تصمیم بعدی این جایزه را به ناتو تقدیم کند.

در همین رابطه، «وولفگانگ گرگه» دیگر هم حزبی خانم هوگر و عضو کمیسیون سیاست خارجی مجلس این کشور ضمن تأیید سخنان وی به دخالت‌های نظامی اتحادیه اروپا در مناقشات بین‌المللی اشاره کرده و گفت: درست است که

شاید اتحادیه اروپا در سیاست داخلی خود به دنبال برقراری صلح باشد اما در مورد سیاست خارجی، عملکرد آن‌ها در رابطه با مناقشات بین‌المللی با این انتخاب در تناقض آشکار است.

وی خاطر نشان کرد: اتحادیه اروپا علاوه بر مداخله‌های نظامی بین‌المللی، مسؤولیت بسیار بزرگی در قبال چپاول‌گرایی اقتصادی در جهان نیز بر عهده دارد و تصمیم کمیته نوبل برای اعطای جایزه صلح به اتحادیه اروپا هم راستا با تصمیم سوال برانگیز اعطای این جایزه به بارک اوباما رئیس‌جمهور امریکا بود که هیچ موفقیتی در پیش‌برد صلح خاورمیانه نداشت و سیاست‌های جنگی اش وضعیت خاورمیانه را با بحران مواجه کرد.

وولفگانگ در ادامه خاطر نشان کرد: برای دریافت جایزه صلح نوبل نامزدهای مستحق‌تر و شایسته‌تری از اتحادیه اروپا وجود داشت که کمیته نوبل می‌بایست برای اعطای این جایزه آن‌ها را بیش‌تر مورد توجه قرار می‌داد.

این انتخاب، همچنین با واکنش تند برخی از رسانه‌های آلمان مواجه شد که در همین رابطه، روزنامه یونگه ولت در سرمقاله روز شنبه خود با عنوان «جایزه نوبل برای سرهنگ کلاین»، این انتخاب را به باد انتقاد گرفت.

سرهنگ **کلاین**، نظامی آلمانی بود که در سال ۲۰۰۹ در عملیات نظامی افغانستان دستور بمباران دو تانکر حامل نفت در ایالت قندوز را صادر کرد که این حمله موجب کشته‌شدن بیش از ۱۴۰ نفر و مجروح شدن صدها نفر از مردم غیر نظامی این ایالت شد. این نظامی آلمانی، نه تنها به خاطر دستور خود برای این کشتار بی‌رحمانه مؤاخذه نشد، بلکه این روزها خبر از ارتقای درجه وی از سوی ارتش آلمان نیز به گوش می‌رسد.

در سرمقاله یونگه ولت در این رابطه می‌خوانیم: جایزه صلح نوبل ۲۰۱۲ در حالی به اتحادیه اروپا اختصاص یافته که حضور این اتحادیه در جنگ‌های تهاجمی غیرقانونی در نقاط مختلف جهان، نظامی‌گرایی در سیاست خارجی اتحادیه و همچنین موظف کردن اعضای آن برای افزایش توان تسلیحاتی را شاهد هستیم.

روزنامه تاگس سابتونگ نیز در سرمقاله خود، ضمن انتقاد شدید از اعطای جایزه صلح نوبل به اتحادیه اروپا، نوشت: نکته جالب در تعلق جایزه صلح نوبل به اتحادیه اروپا این است که این جایزه در کشوری اعطا شد (ناروی) که هیچ‌وقت تمایل به عضویت در اتحادیه اروپا نداشته است.

این روزنامه در ادامه مطلب خود می‌نویسد: نام اتحادیه اروپا همیشه مرگ هزاران آفریقایی آواره و متقاضی پناهندگی در دریای مدیترانه و همچنین ناکامی بسیار بزرگ در ممانعت از بروز جنگ‌های یوگسلاوی در دهه ۹۰ این قاره و ناکامی در جلوگیری از اولین نسل‌کشی در خاک اروپا بعد از جنگ جهانی دوم را در اذهان زنده می‌کند.

«لودویگ واسال» تحلیلگر آلمانی مسائل بین‌المللی نیز با انتشار مطلبی در سایت آلمانی زبان فلسطین، از جمله کسانی است که اهدای جایزه صلح نوبل به اتحادیه اروپا را به استهزاء گرفته و آن را یک طنز واقعی خوانده است.

واسال می‌نویسد: اوباما بعد از دریافت این جایزه، جنگ‌طلب‌تر از قبل شد و با گسترش حملات هوایی با هواپیماهای بدون سرنشین فهرستی از قتل‌های هدفدار را تهیه و به مرحله اجرا گذاشت.

این تحلیل‌گر در ادامه می‌نویسد: امروز نیز آنچه به عنوان بزرگ‌ترین جنبش صلح در جهان خوانده می‌شود، این جایزه را دریافت کرده با این که همه می‌دانند چندین عضو این اتحادیه در جنگ‌های نئواستعمارگرانه از جمله در افغانستان، عراق، لیبیا و سوریه دخیل هستند.

واسال در ادامه می‌افزاید: اتحادیه اروپا درست زمانی این جایزه را دریافت کرده که واحد پولی یورو در آستانه فروپاشی است و اعتراض‌های مردمی در کشورهایی همچون یونان به سیاست‌های ضدانسانی و تحمیلی در حوزه اقتصاد نشان می‌دهد که رهبران اروپایی از سوی مردم این کشورها مورد تأیید نیستند.

این تحلیل‌گر المانی در پایان می‌افزاید: این جایزه به جای اتحادیه اروپا باید به کسانی اختصاص می‌یافت که جنایت‌های بزرگ و غیرانسانی امریکائی‌ها در عراق را افشاء کردند زیرا این جایزه می‌توانست برای این‌گونه اشخاص، تکریم شجاعت و عزت انسانی باشد.

نشریه تایم امریکا نوشت: کمیته جایزه صلح نوبل، یک بار دیگر استعداد ذاتی اش را برای خلق یک «کمدی» به اثبات رساند و «اتحادیه اروپا» را دارنده جایزه صلح نوبل سال ۲۰۱۲ معرفی کرد. تایم در یادداشتی به قلم «کاترین مایر» با انتقاد شدید از اعطای «جایزه صلح نوبل» ۲۰۱۲ به اتحادیه اروپا، افزود: اصلی‌ترین عنصر خلق یک کمدی، مسأله زمان است و در مورد کنونی، هیچ عنصری گزنده تر از «زمان» اعطای آن نیست.

سازمان عفو بین‌الملل با انتقاد به برخی موارد از وضعیت حقوق بشر در اروپا، از جمله سیاست‌های اتحادیه اروپا در مورد پناهجویان، کولی‌ها و ارسال سلاح به کشورهای ناقض حقوق بشر، این اتحادیه را لایق جایزه صلح نوبل ندانست. به گزارش خبرگزاری المان، سازمان عفو بین‌الملل روز پنج‌شنبه ۱۰ آذرماه ۷ دسامبر ۲۰۱۲، وضعیت حقوق بشر در کشورهای عضو اتحادیه اروپا را مورد انتقاد قرار داد.

ولفگانگ گرتنز، دبیرکل عفو بین‌الملل المان در این‌باره گفت: اتحادیه اروپا از جمله در زمینه سیاست پناهندگی تا حدی خود حقوق بشر را نقض می‌کند. وی افزود: افزون بر این، اتحادیه اروپا در مورد تبعیض در کشورهای عضو این اتحادیه در رابطه با کولی‌ها به اندازه کافی قاطعانه عمل نکرده است.

در یک نظرسنجی که ماه سپتامبر ۲۰۱۳ از سوی پارلمان اروپا صورت گرفت، ثابت شد که ۴۰ درصد اروپائیان خواستار انحلال اتحادیه هستند در حالی که این آمار در سال ۲۰۱۱ بالغ بر ۳۱ درصد بود.

اما این نظرسنجی نه تنها زنگ خطر را برای پارلمان اروپا به صدا در نیامد بلکه «مارتین شولتز» رئیس پارلمان به این علت که آمار زیر ۵۰ درصد است آن را 'دلگرم کننده' هم نامید.

شولتز معتقد است که سطح نارضایتی مردم اروپا از این اتحادیه در سال ۲۰۰۷ بالغ بر ۵۲ درصد بود و امسال این رقم کاهش یافته است. آن زمان ۶۹ درصد اروپائیان نسبت به آینده این اتحادیه خوش بین نبودند.

نویسنده تایم افزوده است: بدیهی است در شرایط بغرنج کنونی اتحادیه اروپا، «خوزه مانوئل باروسو» رئیس کمیسیون اروپا باید شادمان و مسرور از انتخاب کمیته انتخاب جایزه نوبل باشد و آن را به صلاح اروپا و کل جهان اعلام کند، اما مضحک‌ترین و مسخره‌ترین توان این کمیته، توانائی خلق تفرقه و انشعاب و شعله‌ور کردن آتش در میان دریافت‌کنندگان این جایزه است و بار دیگر کمیته جایزه صلح نوبل به خود جایزه داد.

از سوی دیگر خبرگزاری امریکائی آسوشیتدپرس در تحلیلی درباره اعطای جایزه صلح نوبل به اتحادیه اروپا نوشت: با وجود استقبال برخی از سران اروپائی از این اقدام، کشورهای مقروضی همچون یونان و اسپانیا که بسیاری از مردم آن‌ها اتحادیه اروپا را مسؤول تدابیر ریاضتی سخت‌گیرانه همچون افزایش مالیات‌ها و بیکاری می‌دانند، واکنش منفی به آن نشان دادند.

آسوشیتدپرس افزود: در حالی که بحران مالی در اتحادیه اروپا به سومین سال خود نزدیک می‌شود، مشکلات این اتحادیه افزایش پیدا کرده، رشد اقتصادی آن کند است و با بیکاری ۲۵ میلیون نفر دست و پنجه نرم می‌کند. اعطای جایزه یاد شده هیچ تأثیری در متعادل‌سازی بودجه‌های ملی و یا بسترسازی برای رشد اقتصادی در یونان و یا کاهش هزینه‌های حاصل از قرض در کشورهای ضعیف تر منطقه یورو همچون اسپانیا ندارد.

«پل دوگرو» از اقتصاددانان دانشگاه اقتصاد لندن گفت: اگر من در پرتغال و یا اسپانیا و یا یونان زندگی می‌کردم، تخصیص جایزه صلح نوبل مرا نگران می‌کرد زیرا آن‌ها این جایزه را به افرادی در بروکسل دادند که منبأ بدبختی من هستند.

انتخاب اتحادیه اروپا به عنوان برنده جایزه صلح نوبل از جمله با انتقاد «استفان کوزیکوف - Stefano Kuzhikov» دبیر اتحادیه رومی‌ها در اروپا روبه‌رو شده است. او در گفت و گوئی با مرکز خبر رادیو بین‌المللی سویدن گفته است که کمیته صلح نوبل بخش‌های تاریک اروپا را فراموش کرده است. به گفته وی وضعیت رومی‌ها در اروپا با وجود قول‌های زیادی که داده شده، کمترین تغییری نکرده است. او گفته است که جمعیت ۱۲ تا ۱۵ میلیون نفری رومی‌ها در اروپا، در بدترین شرایط و با بیشترین تبعیض‌ها و فشارها زندگی می‌کنند و اتحادیه اروپا آن‌ها را فراموش کرده است. در سویدن برای برخی از سیاستمداران چون «سیسیلیا مالمستروم»، عضو کمیته اجرائی اتحادیه اروپا، دادن جایزه صلح به این اتحادیه را غیرمنتظره نامید و گفت که این جایزه بر مسؤولیت‌های اتحادیه می‌افزاید.

Thomas Hammarberg از فعالان حقوق بشر و Jonas Sjöstedt رهبر حزب چپ نیز به کمیته صلح نوبل منتقد بوده و انتخاب اتحادیه اروپا را به دلیل عملکرد آن برای نمونه در قبال نقض حقوق بشر در جهان نادرست خواندند. عملکرد اتحادیه اروپا و قوانین آن، بارها از سوی فعالان امور پناهندگی در سویدن نیز با انتقاد همراه بوده است. اما کارل بیلدت، وزیر امور خارجه وقت سویدن، ضمن تبریک به ۵۰۰ میلیون شهروند اتحادیه اروپا، اهدای این جایزه را از نظر اخلاقی برای اتحادیه اروپا بسیار مهم دانست.

به این ترتیب، انتخاب برندگان جوایز نوبل، در مواردی با اعتراضاتی مواجه می‌شود و منتقدین، کمیته‌های مختلف نوبل را به عدم رعایت بی‌طرفی متهم می‌کنند. اما انتقادها در مورد کمیته صلح نوبل معمولاً بیش از سایر موارد است. بنابراین سابقه اعطای جایزه صلح نوبل نشان می‌دهد که کمیته برگزارکننده توجه چندانی به تلاش‌های افراد برای برقراری صلح و امنیت ندارد.

امروزه بسیاری از افرادی که در راه برقراری صلح و عدالت، تلاش فراوان کرده‌اند و به مراتب شایسته‌تر از رئیس جمهور آمریکا برای دریافت جایزه صلح نوبل هستند، اما به دلیل استقلال عمل و احتمالاً مخالفت با سیاست‌های سلطه جویانه غرب، مورد بی‌مهری دست‌اندرکاران اعطای جایزه نوبل قرار گرفته‌اند. در گذشته نیز نمونه‌های متعددی از این افراد به چشم می‌خورند که شاید معروف‌ترین آن‌ها «مهاتما گاندی» رهبر بزرگ استقلال هند باشد. گاندی با استفاده از روش مبارزه مسالمت‌آمیز توانست مردم هند را از استعمار و چپاول انگلیس نجات دهد. وی با وجود این که پنج بار نامزد دریافت صلح نوبل شد، این جایزه هرگز به او داده نشد.

روزنامه گاردین نیز در انتقاد از کمیته صلح نوبل می‌نویسد: «چرا این کمیته هیچ‌گاه جایزه خود را به افرادی مانند مارک تواین (نویسنده معروف آمریکایی) که از سیاست‌های جنگ طلبانه روزولت انتقاد کرد و یا ویلیام جیمز که مخالف امپریالیسم بود، اعطا نکرد؟»

روزنامه انگلیسی گاردین می‌نویسد: «اعضای کمیته صلح نوبل باید بازنشسته شوند و جایزه بسیار با ارزش نوبل را به یک سازمان بین‌المللی صلح‌طلب که درک درست و واقع بینانه‌ای از تاریخ دارد، واگذار کنند.»

در سال ۱۹۶۴ ژان پل سارتر از دریافت نوبل ادبی سرباز زد. در سال ۱۹۷۳ «ل دوک تو» رهبر کمونیست ویتنام به صورت مشترک جایزه نوبل را با هنری کیسنجر برای پیمان صلح پاریس دریافت کردند. «کیسنجر» جایزه را پذیرفت اما «تو» این جایزه را نپذیرفت. چرا که معتقد بود هیچ صلح واقعی میان آن‌ها بعد از جنگ ویتنام به وجود نیامده است. اعطای جایزه صلح نوبل به نلسون ماندلا نیز یکی از نمونه‌های موجه و مثبت بود. نلسون ماندلا (متولد ۱۸ ژوئیه ۱۹۱۸ - فوت ۵ دسامبر ۲۰۱۳)، نخستین رئیس جمهور آفریقای جنوبی است که در انتخابات دموکراتیک عمومی برگزیده شد. وی پیش از ریاست جمهوری از فعالان برجسته مخالف آپارتاید در آفریقای جنوبی و رهبر کنگره ملی

آفریقا بود. وی به خاطر دخالت در فعالیت‌های مقاومت مسلحانه مخفی محاکمه و زندانی شد. مبارزه مسلحانه، برای ماندلا، آخرین راه چاره بود؛ او همواره پایبند به عدم توسل به خشونت بود.

نلسون ماندلا در زمان دستگیری خود، در سال ۱۹۶۲، عضو برجسته کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی بود. فقط پس از درگذشت او بود که حزب کمونیست همزمان با کنگره ملی آفریقا این حقیقت تاریخی را اعلام کردند.

ماندلا در طول ۲۷ سال زندان، که بیش‌تر آن را در یک سلول در جزیره روبن سپری کرد، مشهورترین چهره مبارزه علیه آپارتاید در آفریقای جنوبی شد. گرچه حکومت آپارتاید و حکومت‌های طرفدار آن وی و کنگره ملی آفریقا را تروریست می‌دانستند، مبارزه مسلحانه بخشی جدایی‌ناپذیر از مبارزه علیه آپارتاید بود. ماندلا پس از آزادی از زندان در سال ۱۹۹۰، سیاست‌ملاچتری را در پیش گرفت.

ماندلا پس از دریافت جوایزی در طول چهار دهه، یک چهره سرشناس دولتی بود که تا اواخر عمر خود در مورد مسائل مهم عقاید خود را ابراز می‌کرد. او را در آفریقای جنوبی اغلب تحت عنوان مادیامی‌شناسند، این عنوان افتخاری را بزرگان خاندان ماندلا به وی داده‌اند. این عنوان دیگر مترادف با نام نلسون ماندلاست. بسیاری از مردم آفریقای جنوبی نیز به نشانه احترام وی را «مخولو» (پدر بزرگ) صدا می‌زنند.

ویلیام بلوم، یکی از کارکنان سابق وزارت خارجه امریکا، گفته است سازمان سیا محل اختفای ماندلا را به پلیس اعلام کرده بود. ماندلا، پس از آزادی به عنوان نماد صلح و آشتی سربلند کرد و در سال ۱۹۹۳ جایزه صلح نوبل را دریافت کرد.

بی‌تردید، اعطای جایزه صلح نوبل به افرادی به این ترتیب، اعطای جوایز صلح نوبل به کسانی چون کتلت، شیمون پرز، بارک اوباما، مناخیم بگین و اسحاق رابین و نهادهائی چون اتحادیه اروپا، ربطی به وصیت‌نامه آلفرد نوبل، بنیان‌گذار نوبل ندارد و بیش‌تر برای گردانندگان کمیته صلح نوبل رسوائی به بار آورده است.

در اعطای جایزه صلح نوبل به ملاله و کایلاش، جای اقبال مسیح واقعاً خالی بود. به عقیده من هر برنامه‌ای که در رابطه با کودکان کار برگزار می‌شود اگر تلاش‌ها و مبارزه اقبال مسیح در راه لغو کار کودکان و بردگی کودکان را سرمشق خود قرار دهد موفق‌تر خواهد شد. مبارزی کوچک که در راه مخالفت با استثمار کودکان به مبارزه برخاست و جانش را نیز در این راه نهاد.

«اقبال مسیح»، شانزدهم اپریل ۱۹۹۵ برابر با بیست و هفتم فروردین [حمل] ۱۳۷۴، در یکی از خیابان‌های شهری در نزدیکی لاهور پاکستان، با شلیک گلوله‌ای جان باخت.

بعضی از صاحبان کارخانه‌های قالی‌بافی پاکستان فکر می‌کردند با از بین بردن این نوجوان ۱۳ ساله، دیگر مزاحمی نخواهند داشت و می‌توانند همچنان به راحتی بچه‌ها را در شرایط سخت و غیرانسانی کارخانه‌هایشان به کار قالی‌بافی وادار کنند، اما مردم در برابر مرگ اقبال واکنش نشان دادند و بیش‌تر از قبل به مبارزه با کار اجباری کودکان روی آوردند.

وقتی اقبال ۴ سالش بود، خانواده‌اش او را در برابر پول ناچیزی به صاحبان کارخانه‌های قالی‌بافی فروختند، اتفاقی که برای خیلی از بچه‌های دیگر پاکستانی هم می‌افتد. در کارخانه، اقبال را مجبور می‌کردند روزی ۱۲ ساعت کار کند. به خاطر کار زیاد و تغذیه نادرست، اقبال در ۱۲ سالگی به اندازه یک پسر بچه ۶ ساله بود.

اما اقبال نتوانست این وضع را تحمل کند. وقتی ۱۰ سالش شد از کارخانه فرار کرد و به گروهی پیوست که علیه کار اجباری کودکان و نوجوانان در جهان فعالیت می‌کرد. اقبال به ۳ هزار کودک پاکستانی که مجبور به کار شده بودند، کمک کرد تا به این گروه بپیوندند و در سرتاسر جهان هم درباره موضوع کار اجباری کودکان سخنرانی کرد.

سال ۱۹۹۴ جایزه «ریباک» که یک جایزه جهانی است، به اقبال داده شد و سال ۲۰۰۰ هم وقتی برای اولین بار قرار شد جایزه‌ای به نام «جایزه جهانی کودکان برای دفاع از حقوق کودکان» به کودکان و نوجوانانی که برای حقوق کودکان فعالیت می‌کنند، داده شود، آن را به اقبال دادند، هر چند که او دیگر در میان ما نبود.

سوسن بهار در سایت «داروک» با احسان‌اله خان، بنیان‌گذار «جبهه رهائی‌بخش کودکان از کار بردگی در پاکستان» که از نزدیک با اقبال مسیح آشنائی و همکاری داشته، گفتگو کرده است. آن‌ها همچنین در مراسم اعطای جایزه صلح نوبل در ناروی به ملاله و کایکلاش حضور داشتند. علاقه‌مندان می‌توانند این گفتگو را در سایت داروک، آدرس زیر بخوانند: WWW.darvag.com

اعلام نام ملاله به عنوان برنده جایزه صلح نوبل، نه تنها در دره سوات، بلکه در کشورهای منطقه، شادی زیادی به همراه داشت. خیلی‌ها در خیابان، این افتخار را جشن گرفتند. به امید این که ملاله پس از این جدید تر در لغو کار کودکان و آموزش آن‌ها، به مبارزه خود ادامه دهد.

در هند، ساتیاری فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. ساتیاری از دهه ۸۰ میلادی فعالیت خود را آغاز کرد و بنیاد «ماموریت نجات کودکان» را پایه‌گذاری نمود. وی تلاش‌های زیادی را در جهت لغو کار و بردگی کودکان انجام داده است. وی در طی دهه‌ها تلاش موفق شده است که بیش از ۷۵۰۰۰ کودک کار را از شرایط غیرانسانی و دشوار نجات دهد.

ساتیاری در یک مصاحبه تلویزیونی گفته است: «لحظه‌ای شاد برای هر فرد هندی است. اگر با این جایزه، صدای میلیون‌ها کودک تحت شرایط نامنصفانه در سرتاسر جهان شنیده خواهد شد، پس تبریک به همه!» وی پدیده کودکان کار را ناشی از فقر ابدی می‌داند. او معتقد است که فقر، بهانه‌ای کافی برای وجود کودکان کار در شرایط بد نیست. می‌گوید رابطه‌ای مثلثی شکل میان کودکان کار، فقر و بی‌سوادی وجود دارد و او هم تلاش کرده تا همزمان با همه این‌ها مبارزه کند. وی همچنین از دهه هشتاد، بنیادی را برای آموزش کودکان کار ترتیب داده است. مبارزات وی هم خالی از خطر و تهدید نبوده است، با این حال از مبارزه برای حقوق کودکان و ایستادگی در برابر پدیده کودکان کار، دست برنداشته است. زمانی گفته است: «به فلسفه گاندی درباره آخرین فرد باور دارم، که کارگران اجباری آخرین افراد در جامعه هند هستند، حالا ما این‌جائیم که آن «آخرین فرد» را آزاد کنیم.»

در سال ۱۹۹۸، وی راهپیمائی جهانی در ۱۰۳ کشور جهان علیه پدیده کار کودکان سازمان داد که نقشی مهم در ایستادگی و بهبود روند مبارزه علیه این پدیده شوم داشت. جایزه صلح نوبل ۲۰۱۴، به ملاله و کایلاش و همکاران‌شان در پاکستان و هند و ایران و... صمیمانه تبریک می‌گویم. کسانی که برای رسیدن به اهداق انسان و اجتماعی و سیاسی‌شان، مصمم و پیگیر بوده‌اند و از هیچ تهدیدی نهراسیده‌اند!

در پایان برای ملاله و کایلاش و همکاران و همفکران‌شان در جهت لغو کار کودک و تحصیل کودکان موفقیت آرزو می‌کنم. و امیدوارم این دوستان همچون گذشته، بر مواضع انسانی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود در سطح جهانی، هر چه بیشتر و پیگیرتر پافشاری کنند تا کودکان بیش‌تری از بردگی جنسی و کار و خیابان رها شوند!

چهارشنبه بیست و ششم آذر [قوس] ۱۳۹۳ - هفدهم دسمبر ۲۰۱۴